

شخصیت‌پردازی در حکایت‌های الهی‌نامه عطار نیشابوری در تطبیق با داستان‌های مصور نسخه

چکیده

عطار، از بزرگترین عارفان شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است که برای بیان مفاهیم عمیق عرفانی خود از داستان و حکایت بهره گرفته است، چراکه انسان، مخاطب خاص وی می‌باشد. الهی‌نامه یکی از آثار برجسته عطار است که شاعر ضمن آن موفق خلق حکایات زیبا و عمیقی شده است. با توجه به نقش کلیدی که شخصیت‌پردازی در آفرینش داستان‌ها و حکایات دارد، مسئله شخصیت‌پردازی در الهی‌نامه و انطباق آن با داستان‌های مصور مطرح می‌گردد. این پژوهش با بر روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شخصیت، عنصر حادثه و سرعت رخداد آن، از عناصر مهم داستان و داستان‌نویسی می‌باشد و در حکایات عطار وجود دارند. هر چند اثر مذکور جنبه زهد و اخلاق‌گرایی دارد اما چیدمان و سرعت حوادث داستان عامل محرک و پیش‌برنده هر یک از داستان‌های آن محسوب می‌شود و در نهایت به طور کلی می‌توان گفت که در حکایت و داستان و رمان نمی‌توان با یک دیدگاه حرکت کرد و یا نتیجه کلی گرفت که عناصر داستان، شالوده‌ی اصلی حکایت‌ها و داستان‌ها را می‌سازند یا داستان و حکایت‌ها به عناصر داستان بها و معنا می‌دهند. توانمندی عطار در توصیف دقیق حکایات، منجر به تصویرسازی ملموس از حکایات گردیده است.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی چگونگی عناصر حکایات در الهی‌نامه‌ی عطار.
۲. بررسی شخصیت‌پردازی در حکایات الهی‌نامه‌ی عطار.

سؤالات پژوهش:

۱. حکایات موجود در الهی‌نامه‌ی عطار دارای چه مختصاتی است؟
۲. شخصیت‌پردازی چه جایگاهی در حکایات الهی‌نامه دارد؟

واژگان کلیدی: شخصیت‌پردازی، حکایات، الهی‌نامه، عطار، داستان‌های مصور.

مقدمه

الهی‌نامه عطار یکی از آثار ارزشمند ادبی ایران است که داستان‌ها و حکایات آن در میان توده مردم نیز رواج دارد. عوامل مختلفی منجر به زیبایی حکایات الهی‌نامه شده است. داستان‌ها و حکایات عطار در این اثر، آینه‌ای از اندیشه‌های وی و شرایط زمانی و مکانی اوست. در حقیقت هر شاعر یا نویسنده‌ای در دوره‌هایی از زندگی‌اش به این قضیه می‌اندیشد که کجای جهان ایستاده؛ به تعبیر دیگر هنرمندان و اندیشمندان همواره خود و وجود خود، در هستی را مورد محک قرار می‌دهند. عطار از جمله یا بهتر بگوییم از سرامدان این عرصه می‌باشد که خواننده همزمان با خواندن آثار وی، افکارش را در می‌یابد و ضمن عطارشناسی، وراى آنچه در کتب مختلف درباره وی خوانده را می‌بیند و درک می‌کند. بنابراین واکاوی الهی‌نامه عطار و بررسی مسئله شخصیت‌پردازی در آن می‌تواند گامی مهم در عرصه پردازش آثار ادبی با این سبک باشد. تطبیق شخصیت‌پردازی عطار با داستان‌های مصوری که در تاریخ ایران دوره اسلامی برجای مانده است تا حدی می‌تواند آشکار کننده تأثیر و تأثر الهی‌نامه به عنوان یک اثر ادبی بر ادبیات عرفانی و عامیانه باشد. الهی‌نامه‌ی عطار سرشار از داستان‌های دلکش کوتاه و بلند می‌باشد که همگی در بین یک داستان اصلی گنجانیده شده‌اند. این اثر، از جمله متونی است که سهم بسزایی در شکل‌گیری و گسترش روایت‌های کوتاه و بلند در آثار عرفانی دارد و تحلیل نشانه‌شناختی روایت در حکایت‌های این اثر می‌تواند تا حدودی زمینه را برای نمایش نحوه ساماندهی عناصر روایت در متون عرفانی مهیا کند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما آثار متعددی در بازشناسی الهی‌نامه عطار به رشته تحریر در آمده است. مقاله‌ای با عنوان «عناصر داستانی حکایت زن پارسا در الهی‌نامه عطار» به قلم فاطمه امامی به رشته تحریر در آمده است (۱۳۸۹). عطار در این داستان با آفرینش شخصیت موفق به ارائه داستانی ماندگار شده است. این حکایت نشان‌دهنده اوج هنر داستان‌پردازی عطار است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی جنبه‌های نمایشی در شماری از داستانهای تذکره الاولیاء عطار نیشابوری» توسط فهمیه سهیلی‌راد به رشته تحریر در آمده است (۱۳۸۶). نویسنده در این اثر به بررسی جنبه‌های نمایشی این اثر پرداخته است. این عناصر در مجموعه‌ای متشکل از ساخت‌مایه نمایش جای می‌گیرد. داستان‌های فضیل عیاض، رابعه عدویه و حسین به منصور حلاج از تذکره‌الاولیا انتخاب شده‌اند تا بیانگر قابلیت‌های نمایشی بالقوه‌ای اثر باشند و این امر از طریق جستجوی عناصر نمایشی در این داستان‌ها و تحلیل انواع شیوه‌های به کارگیری آن‌ها در نمایش تحقق یافته است (سهیلی‌راد، ۱۳۸۶: ۲۵). پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی تطبیقی شخصیت‌بخشی در الهی‌نامه عطار با داستان‌های مصور به واکاوی تأثیر بن‌مایه‌های این اثر ادبی در ادبیات عرفانی و عامیانه بپردازد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که عنصر حادثه و شخصیت به عنوان مهم‌ترین عناصر داستان در پیشبرد سیر داستان، شکل‌دهی پیرنگ آن است. آشکار کردن شخصیت‌ها و میزان تأثیرگذاری و جذب مخاطب، یکی از ریشه‌ای‌ترین عناصر داستان است که سبب حرکت داستان به جلو و از همه مهم‌تر، عمق و معنا بخشیدن به آن می‌شود، به همین دلیل هرچه حادثه عمیق‌تر و پیچیده‌تر باشد، قدرت جذب مخاطب از سوی آن بیش‌تر و سبب شهرت و ماندگاری اثر می‌شود. در این میان الهی‌نامه، مفاهیم و پیام‌های ارزشمندی برای افراد و مخاطبان خود دارد که در صورت بیان مفاهیم به زبان ساده یا در دسترس بودن آن‌ها، آن هم به قلم عطار و از دید وی می‌تواند برای بسیاری از انسان‌ها قابل توجه و تحسین برانگیز باشد. در حقیقت عطار عارفانه نويس كوشیده است با بهره‌گیری از امکانات داستانی آموزه‌های خود را به شکل محسوس در اختیار مخاطبان‌ش قرار دهد. حوادث در حکایت‌ها آنقدر ریز و پشت سر هم اتفاق می‌افتد که اوج حادثه در الفاظ و جملات نهفته است و کاملاً حادثه جنبه معنوی و معنایی دارد. می‌توان گفت: سرعت رخداد حوادث به گونه‌ی است که مخاطب را به وجد می‌آورد و از آغاز تا پایان حکایت شاید در عرض پنج الی بیست دقیقه که از آغاز خواندن تا پایان خواندن حکایت یا داستان طول می‌کشد، داستان به اوج خود می‌رسد بنابراین مخاطب همانند مخاطب رمان و داستان بلند مدام به تعلیق و سیر صعود و نزول حوادث مختلف قرار نمی‌گیرد. بلکه فقط یک حادثه در دل یک حکایت می‌باشد و هیچ حکایت یا حادثه‌ای در بتن این حکایت یا حادثه جا نمی‌گیرد و این در حقیقت ویژگی همان حکایت است. بنابراین عطار نیز در حکایت‌هایش از جمله حکایت‌های مذکور از این شیوه به دور نبوده و در حقیقت قصد وی اصلاً حادثه پردازی نبوده اما شخصیت پردازی بسیار نمود دارد چون قصد وی با سرایش داستان‌هایش ساختن مدینه‌ی فاضله‌ای از جنس انسان‌های آرمانی خودش می‌باشد تا لیاقت درگاه کبریایی معبودش را داشته باشد. عطار به گونه‌ای روایات را حول محور شخصیت‌ها به تصویر کشیده است که الهی‌نامه را تبدیل به الگوی شاخص در داستان‌های مصور ساخته است.

منابع و مأخذ:

- اسماعیل لو، صدیقه. (۱۳۸۴). چگونه داستان بنویسم. تهران: نگاه.
- افضلی، زهرا؛ خیری زاده، مه‌ری. (۱۳۹۰). "بررسی و تحلیل عنصر درون مایه در رمان «الطریق الطویل» اثر نجیب الکیلانی". «مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی»، شماره ۲۳، صص ۱۴۹-۱۷۳.
- امامی، فاطمه. (۱۳۹۲). "ساختار معنایی الهی‌نامه عطار". فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۳، ۳۸-۱۱.
- بتلاب اکبرآبادی، محسن؛ ورضی، احمد. (۱۳۹۲). «کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار». متن-شناسی ادب فارسی، شماره ۱، ۲۸-۱۳.
- بی‌نیاز، فتح‌الله. (۱۳۸۷). درآمدی بر داستان نویسی و روایت‌شناسی با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران. تهران: افراز.

- الجرجانی، سیدشریف. (۱۴۲۴). التعریفات، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب.
- خدیو، هادی؛ داهیم، ربابه. (۱۳۹۲). "نمادانگاری در منظومه‌های عطار". عرفانیات در ادب فارسی، شماره ۱۷، ۶۴-۴۷.
- خوشحال دستجردی، طاهره؛ شمعی، میلاد. (۱۳۸۸). "تحلیل عنصر حادثه در رمان جای خالی سلوچ اثر محمود دولت آبادی". پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب فارسی، شماره ۸، ۱۴۸-۱۳۴.
- روشنفکر، کبری؛ ذوالفقاری، کبری. (۱۳۹۰). "بررسی تطبیقی ژرف‌اندیشی در شعر محمود درویش و قیصر امین پور". فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۰-۹۹.
- ساجدی، علی. (۱۳۹۰). «دو روایت از یک حکایت در شعر عطار و مولانا»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱، ۸۳-۶۹.
- شکاری، زهرا؛ حبیبی‌فر، علی اصغر. (۱۳۹۳). بررسی عنصر حادثه در رمان «بین القصرین» نجیب محفوظ و «سووشون» سیمین دانشور. فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه کرمانشاه، شماره ۱۵، ۱۲۹-۱۰۵.
- فاضلی، قادر. (۱۳۷۴). اندیشه عطار؛ تحلیل افق اندیشه‌ی شیخ فریدالدین عطار. تهران: طلایه.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۳). شرح احوال و نقد آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، چاپ دوم، تهران: دهخدا.
- گلی‌زاده، پروین؛ ویاری، علی. (۱۳۸۸). "بررسی قابلیت‌های نمایشی داستان حسنک وزیر در تاریخ بیهقی". جستارهای ادبی، شماره ۱۶۶، ۸۶-۶۹.
- عبیدی‌نیا، محمدمیر؛ دلایی میلان، علی. (۱۳۹۱). "شخصیت و شخصیت‌پردازی در حدیقه سنایی". پژوهش‌های ادب عرفانی «گوهر گویا»، شماره ۲۲، ۲۱۶-۱۹۵.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۵۹). الهی‌نامه. تهران: توس.
- قاسمی، شهین. (۱۳۹۴). "وجود متن روایی و پایگاه روایت شنو در الهی‌نامه عطار". همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره ۸، ۱۶۳۱-۱۶۱۸.
- معینی، فرزانه. (۱۳۸۹). "بررسی برخی عناصر داستانی در داستان ضحاک (پی‌رنگ، شخصیت، شخصیت‌پردازی، زاویه دید، صحنه و صحنه‌پردازی)". نامه‌ی پارسی، شماره ۵۲، ۴۶-۲۵.
- موسوی، سیدکاظم؛ فخری زارعی، فخری. (۱۳۸۷). "بررسی عنصر کشمکش در داستان سیاوش". نقد ادبی، شماره ۳، ۱۶۵-۱۹۲.